

---

# نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی

---

نوشته

محمود روح الامینی



## فهرست

درآمد سخن ۹

### بخش نخست

۱. پژوهشی مردم شناختی در منظومهٔ درخت آسوریک ۲۷
۲. درآمد و هزینهٔ سیستان در دورهٔ خلفای عباسی ۴۷
۳. رفتارها و کردارهای اجتماعی در ارداویرافنامه ۶۹
۴. زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در هندوستان ۹۳

### بخش دوم

۱. بازتاب قشریندی اجتماعی در دیوان حافظ ۱۱۱
۲. ساختار فرهنگی و اجتماعی ازدواج‌های شاهنامه ۱۴۵
۳. زن‌سالاری در ازدواج‌های شاهنامه ۱۶۵
۴. دو شاعر: یک مضمون، دو زمان ۱۸۱
۵. در خانهٔ «رعیت» به روایت شاهنامه ۱۹۷

۲۰۷	۱. ارزش اجتماعی و فرهنگی تامل‌های خصوصی
۲۳۵	۲. پیش‌نویس بلژور کرمان (به روایت و فغانه گنجعلیخان)
۲۴۷	۳. تحلیل یک وقف‌نامه - وقفی بر خمسه مسترقه
۲۵۹	۴. تحلیل یک قیاله سنتی
۲۷۳	یادآوری

## درآمد سخن

واژه «ادبیات» (جمع ادب، معرب از فارسی<sup>۱</sup>) در زبان فارسی امروز، از دوره مشروطیت به بعد، همسنگ واژه Lettre و Litterature فرانسه و به معنی نوشتارها و اثرهای هنری سنجیده، فرهیخته، خوشایند و گویا در زمینه‌های داستانی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و... به کار می‌رود. و در سازمان آموزشی امروز ایران به درس‌ها و رشته‌ها و دانشکده‌ای گفته می‌شود که این دانش‌ها را می‌آموزند.

یکی از توصیف‌ها و تعریف‌های ادبیات - که درخور جستارهای این مجموعه است - «آئینه تمام‌نمای رویدادها، آئین‌ها، رفتارها، تلاش‌ها، اندیشه‌ها و... جامعه» است که زبان حال و شناسنامه یک ملت می‌باشد، و

۱. از واژه فارسی هخامنشی «دپپی» که در پهلوی «دی‌پیر» و «دیپور» شده، واژه‌های «دبستان» و «دبیرستان» (که در اصل به یک معنی است) و «ادب» آمده. ادب به معنی و مفهوم «فرهنگ، دانش، هنر، حسن معاشرت، حسن محضر، آزر، حرمت، پاس، تنبیه و دانشی است که قدما آن را شامل علوم زیر دانسته‌اند: لغت، صرف، نحو، معانی، قوانین خط، قوانین قرائت، بعضی اشتقاق، قرض الشعر، انشاء و تاریخ را هم افزوده‌اند. امروز دانش مذکور را «ادبیات» گویند». (لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین).

می‌توان یک جامعه را با بررسی محتوا و موضوع ادبیات آن شناخت؛ رویدادها و رفتارهای اجتماعی را دانست؛ و سیر تحولی پدیده‌های اجتماعی را ردیابی کرد.

در آموزش و پژوهش علوم اجتماعی، که عمر آن به دو سده می‌رسد؛ واقعیت‌ها، رویدادها، قانونمندی‌ها و نظریه‌های اجتماعی، مورد مطالعه، بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. و معمولاً پدیده‌هایی بررسی می‌شود که بتوان آنها را از راه تجربه، پرسش‌نامه، دیدن و گفتگو کردن (مشاهده و مصاحبه) پژوهید. و بیش‌تر شامل جامعه، در «زمان حاضر» می‌شود. و طبعاً برای رسیدن به قانون و ضابطه، دانشمندان علوم اجتماعی نمونه‌ها، موردها و جامعه‌های گونه‌گونی را بررسی می‌کنند تا به نظر و نظریه همانند دست یابند که در همه جا پاسخگو باشد.

مطالعه و بررسی جامعه در «زمان حاضر»، به ویژه در زمینه‌های فرهنگی که روز به روز بر اهمیت موضوعی و پژوهشی آن افزوده می‌شود، این پرسش را پیش می‌آورد که گذشته جامعه‌ها و سیر تحولی فرهنگ و فرهنگ‌ها را چگونه می‌توان بررسی کرد.

در توصیف فرهنگ آمده که همه پدیده‌های فرهنگی (خوراک، پوشاک، مسکن، زبان، قانون، آیین، هنر و...) از یک نقطه و مرحله ساده آغاز شده و به تدریج، با گذشت سده‌ها و هزاره‌ها، تغییر و تحول یافته، با ویژگی‌های زمان و مکان هماهنگ شده تا به ما رسیده است.

بی‌گمان، بررسی این سیر تحولی و دگرگونی‌های سده‌ها و هزاره‌های فرهنگی، که هیچ «عنصر» آن «چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند»، و در شکل‌گیری هر پدیده و هر بخشی از آن «هر که آمد بر آن مزید کرد تا بدین غایت رسید» آسان نیست.

از سده گذشته، پژوهندگان و دانشمندان می‌کوشند تا به یاری نوشتارها، کاوش‌ها افسانه‌ها، اسطوره‌ها و بررسی جامعه‌ها و گروه‌های ساده و ابتدایی، در چارچوب نحله‌ها، مکتب‌ها و دبستان‌ها (تحول،

اشاعه، بکارآئی، ساختار و...) شاید بتوانند ورقی چند از «کهنه کتاب» فرهنگ و تمدن بشری باز یابند، که:  
ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم

اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است  
ایران از جمله کشورهای است که عمر نوشته‌ها و نوشتارهایش، به گواهی سنگ‌نوشته‌ها به هزاره‌ها می‌رسد. نوشته‌های روی سنگ، چوب، استخوان، خشت، پوست، پارچه و بالاخره کاغذ که «هرورقش دفتری است» کهن سند هویت قومی و نیز معرف سیر تحول فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. از سنگ‌نوشته‌های دوره هخامنشی بر صخره‌ها و سنگ قبرها، درازترین نوشته از داریوش در بهستان (بیستون) است که بر پنج ستون و چهارصد و چهارده سطر کنده شده. در این نوشته از ستایش اهورامزدا و آفرینش زمین و آسمان و مردمان، نیکی سرزمین پارس، دلیری مردم، پند و اندرز و بسیاری از پیش‌آمدهای پادشاهی او یاد شده<sup>۱</sup>. این سنگ‌نوشته‌ها بیشتر در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم، شوش و همدان پیدا شده است.

کتاب‌ها، نامه‌ها و سندهایی که در این هزارسال زبان فارسی دری باقی مانده (گنجینه ادبیاتی که از گزند حادثه‌ها در امان مانده) بسیاری از زمینه‌ها، نهادها و عنصرهای فرهنگی را (آیین، سنت، قانون، قراردادهای خویشاوندی، تلاش‌های تولیدی، فن، اندیشه، هنر، ارزش‌ها و...) گواه و رهنمون است.

غناي ادبیات فارسی و علاقه‌مندی فارسی‌زبانان به یاد گرفتن و از برخواندن شاهکارهای نظم و نثر فارسی اگر بی‌مانند نباشد، بی‌گمان کم مانند است.

۱. چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان، تألیف دکتر محمد مقدم، ایران‌کوده، شماره ۴، چاپ دوم، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۶۳، مقدمه.